

تورم؛ اختلافات طبقاتی و انحطاط اخلاقی

نوشته: دکتر احمد کتابی

استاد دانشگاه و اقتصاددان

دربرای واژگون کردن بنیاد یک جامعه، هیچ راهی زیرکانه‌تر و مطمئن‌تر از ایجاد فساد در پول آن نیست؛ جان مینارد کینز

اکنون بیش از یک دهه است که شیخ مخوف تورم بر اقتصاد کشور ما سایه افکنده است. طی این مدت، اکثریت مردم این سرزمین- به ویژه طبقات کم درآمد و قشرهای دارای درآمد ثابت- در زیر فشار خردکننده



دکتر احمد کتابی

تورمی فزاینده، آخرین توان خود را از دست داده‌اند. مدهاست که شمار کثیری از هموطنان ما، نه به انگای درآمدهای جساری خود، که با توسل به ذخایر و پس‌اندازهای گذشته خویش و با برداشت روزمره از آنها، روزگار می‌گذرانند و بسیاری از خانواده‌ها نیز که دیگر پس‌اندازی برایشان باقی نمانده است، هر چند گاه یکبار، بخشی از اموال و حتی لوازم و اثاثیه منزل خویش را می‌فروشند و با سرارت به «زندگی» و یا به تعبیر درست‌تر به «زندگی ماندن» ادامه می‌دهند. به گفته نکته‌پردازی واقع‌بین، در سالهای اخیر، به جای آنکه قدرت خرید هموطنان ما اضافه شده باشد، قدرت فروششان افزایش یافته است!

در این میان، آنچه شایان توجه و تأمل است گسترش آثار و پیامدهای تورم است که متأسفانه به قلمرو اقتصاد محدود نمانده، و به زمینه‌های اجتماعی- و حتی معنوی و اخلاقی- نیز تسری یافته است:

از دیاد روز افزون شکافها و فاصله‌های طبقاتی، رشد قارچ گونه فترهای نوکسه، شیوع وحشت‌انگیز فساد و ارتشاء، فزون جویی، تضعیف روحیه تعاون و همیاری، تنزول ارکان زندگی خانوادگی، ترویج فرهنگ سوداگری، افزایش فشارها و بیماری‌های روانی و بالاخره

تخریب مبانی اخلاقی و معنوی- که اکثر عوارض مذکور از نتایج مستقیم آن است- اینها، فقط برخی از آثار زیانبار تورم در زمینه‌های اجتماعی است که اگر به آنها، اثرات اقتصادی تورم- یعنی در حقیقت آثار اصلی آن- را بیافزاییم، آن گاه، وسعت و عمق عوالب و آثار منفی بلایه تورم، بیش از پیش، آشکار خواهد شد. باری، بجزرات می‌توان گفت که عوارض و توالی فاسدهای تورم بر اقتصاد و شئون مختلف اجتماعی ما، بعتراتب عمیق‌تر و وخیم‌تر از اطلاعات حاصله بر اثر جنگ تحمیلی بوده است. بی‌گمان، بررسی طیف گسترده آثار مذکور و نیز علل موجه تورم کنونی ایران، از حوصله این مقاله خارج است از این رو ناگزیر، به بحث کلی درباره ویژگی‌های اصلی تورم ایران و مطالعه بعضی از آثار مهم آن اکتفا می‌کنیم و در پایان، راه‌حلهائی را که برای مقابله با این تورم- و یا لااقل جلوگیری از تشدید آن- متصور است برمی‌شماریم:

خصایص عمده تورم کنونی ایران

ویژگی‌های اصلی تورمی را که اقتصاد ایران در حال حاضر با آن دست به‌گیریان است، می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

الف- سرعت تورم کنونی ایران در سالهای اخیر به حدی رسیده است که در اصطلاح اقتصاددانان می‌توان از آن به عنوان «تورم شتابان» یا «تورم تازنده» تعبیر کرد.

جدول شماره ۱

محاسبه تنزل ارزش حقیقی دارائی‌های نقدی و مطالبات پولی اشخاص بر اثر تورم

سال	تورم (درصد)	تنزل ارزش حقیقی (درصد)
۱۳۳۰	۳۰	۲۳
۱۳۳۱	۳۰	۴۶
۱۳۳۲	۳۰	۶۹
۱۳۳۳	۳۰	۹۲
۱۳۳۴	۳۰	۱۱۵
۱۳۳۵	۳۰	۱۳۸
۱۳۳۶	۳۰	۱۶۱
۱۳۳۷	۳۰	۱۸۴
۱۳۳۸	۳۰	۲۰۷
۱۳۳۹	۳۰	۲۳۰
۱۳۴۰	۳۰	۲۵۳

برای مزید اطلاع خوانندگان ارجمند یاد آور می‌شویم که در دانش اقتصاد، تورمها را- بر حسب سرعت افزایش قیمتها- معمولاً به ۴ گروه یا دسته طبقه‌بندی می‌کنند: یک- تورمهای خزنده Creeping Inflation -

که نرخ افزایش سالیانه قیمتها در آنها غالباً کمتر از ۱۰ درصد و به اصطلاح تورمی است.

دو- تورمهای نیمه‌شدید Trotting Inflation - که نسبت ترقی قیمتها در آنها در سال بین ۱۰ تا ۲۰ یا حداکثر ۳۰ درصد نوسان دارد. (بدیهی است که این نسبتها قطعیت نداشته و جنبه تقریبی دارد.)

سه- تورمهای «تازنده» Galloping Inflation - که نرخ تورم در آنها بین ۳۰ تا حداکثر ۱۰۰ درصد است.

چهار- تورمهای لجام‌گسیخته Run-away Inflation - که نرخ تورم در آنها به اصطلاح ۳ رقمی (بیش از ۱۰۰ درصد) است و در مواردی به چند هزار درصد نیز می‌رسد.

شاید برای هموطنان رنج دیده‌ما، که طی سالهای اخیر، با پوست و گوشت و تا عمق استخوانشان، درد جانکاه تورم را حس کرده‌اند قابل قبول نباشد که تورمی شدید تر از آنچه فعلاً وجود دارد نیز قابل تصور و پیش‌بینی است ولی متأسفانه، باید این واقعیت تلخ را بپذیریم و تفهیم کنیم که اگر در اسرع وقت و با تمام مقدمات، برای مهار خول تورم نشانیم باید در انتظار تورمهای بسیار شدیدتری- از نوع تورمهای وحشتناک آمریکای «لاتین»- باشیم.

ب- تورم فعلی ایران، نوعی تورم رکودی (= تورم همراه با رکود)، یا به اصطلاح Stagflation است زیرا

در حالیکه متوسط قیمتها در چند سال اخیر بین ۳۰ تا ۵۰ درصد و در سال رویه اتمام (۱۳۳۳) احتمالاً بیش از ۵۰ درصد در حال افزایش است، رکود و بیکاری هم بر بخشهای وسیعی از اقتصاد کشور سایه افکنده است. این

توام بودن تورم با رکود، بالطبع، کار مبارزه با تورم را بسیار دشوار می‌سازد زیرا هرگونه سیاستی که برای مقابله با یکی از دو جنبه مذکور اتخاذ شود، بر جنبه دیگر، اثر تشدیدکننده خواهد داشت.

در هر حال، این نکته محل تردید نیست که اگر رکود مذکور وجود نداشت، شدت تورم بر مراتب از آنچه هست شدیدتر می‌شد.

ج- تورم کنونی ایران یک تورم یکدست و یکپارچه نیست بلکه تورمی است ترکیبی و مختلط؛ به عبارت دیگر، در تورم مذکور، تنها یک علت (و یا یک گروه از علل مشابه)

منحصراً مؤثر نیست بلکه مجموعه یا ترکیبی از چند عامل غالباً به هم پیچیده (که جنبه اقتصادی صرف هم نداشته بلکه واجد جنبه‌های اجتماعی، سیاسی، روانی و غیره نیز هست) در پیدایش تورم دخالت دارد.

با توجه به آنچه گفته شد تورم فعلی ایران را می‌توان حداقل، مرکب از پنج تورم به شرح زیر دانست (و یا به تعبیری دیگر، برای آن می‌توان پنج جنبه قائل شد):

یک- تورم ناشی از فزونی تقاضا بر عرضه Demand- Pull- Inflation بدون تردید، بخش مهمی از تورم جاری کشور معلول کافی نبودن میزان تولید و یا عرضه کالاها و خدمات- در مقام مقایسه با تقاضای فزاینده آنها- است.

دو- تورم ناشی از افزایش هزینه‌ها Cost- Push- Inflation. حتی اگر شروع تورم فعلی را فقط معلول از زیاد بیش از حد تقاضا بدانیم (که خود فرضی قابل تأمل است)، دیگر در این واقعیت نمی‌توانیم تردید کنیم که مقدار قابل ملاحظه‌ای از افزایش‌های بعدی قیمت‌ها، ناشی از بالا رفتن هزینه تولید- بر اثر ترقی قیمت سایر کالاها و خدمات در مراحل قبلی- بوده و یا دست کم به استناد و به بهانه آن انجام گرفته است.

سه- تورم وارداتی Imported Inflation- منظور، تأثیر افزایش روز افزون قیمت کالاها ساخته شده و یا نیمه ساخته و نیز مواد اولیه وارد شده از خارج است که به دلیل انکای شدید اقتصاد کشور به واردات، چه به طور مستقیم و چه به نحو غیرمستقیم، در تسریع تورم مؤثر واقع شده است.

چهار- تورم تاریخی Historical Inflation (مقصود تورم ناشی از عوامل غیراقتصادی نظیر جنگ، انقلاب و نظایر آن است). در این زمینه، تأثیر بروز

انقلاب و به ویژه آثار جنگ تحمیلی، شایان کمال توجه است.

پنج- تورم ساختاری Structural Inflation- که بویژه بنیانها و زیر بناهای اقتصادی، که عوامل نهادی Institutional را نیز در بر می‌گیرد. به عنوان نمونه‌هایی از این عوامل ساختاری می‌توان از وجود یک روحیه مصرف‌گرایی شدید در بین توده مردم (که عمدتاً معلول محرومیت‌های گذشته آنها است)، متداول شدن مخارج و مصارف خود نمایانه و ناشی از بلندپروازی در بین قشرهای مرفه و حتی متوسط، و نیز ناقص بودن زیر

اصولی تورم ایران. اکنون موقع آن است که به بررسی بعضی از آثار و پیآمدهای مهم این تورم بپردازیم:

آثار تورم بر توزیع درآمدها

چنانکه می‌دانیم یکی از ویژگیهای بارز تورم، عدم تناسب و ناهماهنگی تغییرات قیمت‌ها و درآمدهاست؛ بدین ترتیب که بهای برخی از کالاها و درآمد بعضی از طبقات، با آهنگی بسیار شدید افزایش می‌یابد و حال آن که قیمت دیگر کالاها و درآمد سایر طبقات و قشرها بکندی بالا می‌رود و یا حتی ثابت می‌ماند. این عدم تناسب موجب می‌شود که عواید (و نیز ثروت) حقیقی برخی از طبقات و گروهها (از جمله دارندگان درآمد متغیر نظیر تجار، اکثر صاحبان حرف و مشاغل، بعضی از کارگران و نیز اغلب مالکان اراضی و مستغلات...) به ضرر طبقات و گروههای دیگر (یعنی دارندگان درآمد ثابت از قبیل پس‌اندازکنندگان و صاحبان درآمد ثابت مانند کارمندان دولت و...) افزایش یابد. به این ترتیب، تورم، بالمآل، به توزیع مجدد درآمدها و ثروتها در جامعه می‌انجامد و موجب پیدایش و یا تقویت (موقعیت مالی) بعضی از طبقات و گروهها به قیمت حذف و یا تضعیف طبقات و قشرهای دیگر می‌شود.

برای این که از این توزیع مجدد درآمدها نمونه روشن و ملموسی به دست داده باشیم بی‌مناسبت نیست به وضع صاحبان سپرده‌های بانکی و به طور کلی وام‌دهندگان نظری بیافکنیم. اگر نرخ تورم (= متوسط افزایش قیمتها) در یک سال را ۵۰ درصد فرض کنیم (فرضی که با توجه به سیر تورم در سال جاری دور از واقعیت به نظر نمی‌رسد)، نتیجه چه خواهد بود؟ در ظرف یک سال، ۵۰ درصد از قدرت خرید سپرده‌ها و مطالبات نقدی مردم کاسته خواهد شد و به عبارت دیگر، ارزش حقیقی سپرده‌ها و طلبهای نقدی مردم به نصف کاهش خواهد یافت. یعنی مثلاً کسی که یک میلیون ریال نزد بانک سپرده دارد، در ظرف ۱۲ ماه، نصف پول (و به عبارت دقیق تر نصف قدرت خرید پول) خود را از دست خواهد داد. حتی اگر فرض کنیم که بانک بهره‌ای معادل ۱۵ درصد هم به او بپردازد، باز هم وی ۳۵ درصد ارزش حقیقی پولش را از دست داده است. بدین ترتیب، تورم عملاً معادل ۳۵۰۰۰۰ ریال از دارایی شخص مذکور را ربوده و آن را به بانک و یا گیرنده وام منتقل کرده است. (به جدول شماره (رجوع فرمایید).



بناهای فنی و اقتصادی و انواع مختلف محدودیتها و تنگناها که موجب بروز عدم هماهنگی بین تولید (یا عرضه) و افزایش تقاضا می‌گردد و مخصوصاً از نامناسب بودن شبکه توزیع کالاها و خدمات یاد کرد. د- بالاخره یکی از خصوصیات بارز تورم ایران در سالهای اخیر، حساسیت و تأثیرپذیری شدید آن در مقابل جریانات سیاسی جامعه است به طوری که کمترین تنش سیاسی در سطح کشور و حتی در روابط خارجی بلافاصله در تشدید تورم مؤثر واقع می‌شود. این بود بعضی ملاحظات کلی دربارهٔ خصایص

آنچه گفته شد عیناً در مورد افزایش قیمت کالاها و خدمات نیز صدق می‌کند. وقتی شما کالایی را فرضاً ۲۰ درصد گرانتر از قبل می‌خرید، این به معنای آن است که از درآمد یا ثروت شما، معادل ۲۰ درصد بهای قبلی کالای مذکور، بدون کمترین استحقاقی نصیب فروشنده شده است (البته به فرض این که فروشنده، کالا را گرانتر از پیش نخریده باشد). باری! به قول یکی از اقتصاددانان، در هنگام تورم، وقتی شما کالایی را خریداری می‌کنید گویی کسی بخشی از پولهای جیبی یا کیف شما را می‌رباید و این فرد کسی جز فروشنده یا تولیدکننده یا واسطه و یا مجموع آنها نیست.

گفتم که تورم الگوری درآمدها و ثروتها را در جامعه دگرگون می‌کند، به این ترتیب که برخی از طبقات و گروهها از آن مستفرد و بعضی دیگر از آن متفق می‌شوند. به گفته «لنتویچ»، تورم برای بعضی از مردم به منزله مالیات و برای برخی دیگر به مثابه نوعی کمک مالی (= سوبسید) است. مسأله اساسی که در این مورد شایان توجه می‌باشد این است که پرداخت‌کننده نهایی بهای تورم و قربانی حقیقی آن، چه کسانی هستند؟

به عنوان قضاوتی کلی - که طبعاً موارد استثنائی هم دارد - می‌توان گفت که طبقات و گروههای مختلف اجتماعی به تناسب ثروت و امکانات مالی خویش، از آثار مساعد یا نامساعد تورم متأثر می‌شوند، به این ترتیب که هرچه استطاعت و بضاعت مالی گروهها زیادتر باشد از عوارض و عواقب ناگوار تورم بیشتر مصون می‌مانند و در مقابل، از منافع و ثمرات غالباً عظیم و بادآورده آن بیشتر بهره‌مند می‌شوند. شاید به همین مناسبت است که گفته‌اند: «تورم فقرا را فقیرتر و اغنیاء را غنی‌تر می‌کند».

تأثیر تورم بر معنویات و مبانی اخلاقی

یکی از زیان‌بارترین و خطرناک‌ترین عواقب تورم، تأثیر مخرب آن بر معنویات و اصول اخلاقی جامعه است. تورم - مخصوصاً اگر استمرار و شدت یافته باشد - رفته رفته، ریشه فضاائل اخلاقی را در جامعه می‌خشکاند، انگیزه‌های ایثار، از خودگذشتگی و تعاون و استمال آن را نسابود می‌کند و روحیه خودخواهی Egoism، نفع‌طلبی و فردگرایی را بر جامعه حاکم می‌سازد.

بر اثر تورم، حتی منزه‌ترین و فداکارترین افراد

جامعه، بتدریج تغییر ماهیت و منش می‌دهند و مسابقه و حشمتی برای پولدارتر شدن به هر قیمت و هر چه سریعتر و مصرف دیوانه‌وار در بین مردم پدید می‌آید. عواید غیرمنتظره و پولهای بادآورده‌ای که از رهگذر تورم، بدون استحقاق نصیب طبقات و قشرهای معینی می‌شود، اکثریت غالب افراد جامعه را که در این مسابقه شوم خود را بنا حق بازنده و عقب مانده احساس می‌کنند و سوسه می‌کند و به مرور زمان، پایه‌های تقوی و خویشتن‌داری را در آنها سست می‌کند و به این ترتیب، زمینه را برای پیدایش و گسترش انواع مفاسد اجتماعی و



از جمله از شاه مناسب و آماده می‌سازد.

حدود ۲۰ سال پیش، در جریان رونق کاذبی که به دنبال افزایش ناگهانی درآمد نفت در ایران پدید آمد و در نتیجه آن، قشرهای محدودی از جامعه ایران - با استفاده از موقعیت طبقاتی خود و در اختیار داشتن اهرمهای قدرت - یک مرتبه صاحب درآمدها و ثروت‌های افسانه‌ای و بادآورده شدند، نویسنده‌ای صاحب درد، در بیان عوارض ناگوار اجتماعی و اخلاقی این درآمدهای غیرمنتظره و غالباً نامشروع چنین نوشت:

«خصلت بارز پولهای بادآورده این است که این

پولها به سرعت باد و احقانه خرج می‌شود؛ اشرافیت کاذب، ریخت و پاش و زندگی لوکس و فلتزری و تجملتی به وجود می‌آورد و کم‌کم در اخلاق و شیوه زندگی همه مردم تأثیر می‌گذارد. جامعه‌شناسان اکتار نمی‌کنند که طبقه ثروتمند مین ما، در سالهای اخیر، به جای این که با تکیه بر ثروتهایی که از همین آب و خاک به دست آمده، در عمران و آبادانی مملکت بکوشد صادرکننده نوعی اخلاق و شیوه زندگی ابلهانه و اشرافی به طبقات متوسط شده است. اینان در حقیقت، بدآموزانی هستند که داشتن اتوموبیل‌های آخرین سیستم و گرانبها و ویلاهای متعدد و احتکار زمین و تصاحب اراضی ساحلی و سفرهای پرخرج به اروپا و آمریکا را نه تنها ایده‌آل خود بلکه ایده‌آل طبقه متوسط روبه رشد نیز ساخته‌اند.

(باری) اصل قضیه این است که همه ما داریم ادای آدمهای پولدار را درمی‌آوریم، حتی آنان که پولی در بساط ندارند. مردم ما به جای پس انداز که می‌تواند چرخهای اقتصادی مملکت را سریعتر بگرداند به مصرف دیوانه‌وار روی آورده‌اند. تجربه تلخ جامعه مصرفی اروپا و آمریکا را ما نیز داریم تکرار می‌کنیم. مردم ما بیش از آنچه درمی‌آورند خرج می‌کنند، خرید به هر قیمتی و مصرف به هر بهایی، خود یکی از عوامل گرانی است. وقتی طبقه‌ای از مردم هستند که هنگام خرید گوشت و میوه و لباس حتی نرخ آن را نمی‌پرسند... وقتی طبقه‌ای از مردم هستند که به معنی واقعی کلمه، اسکناسهای خود را آتش می‌زنند نمی‌توان انتظار داشت که کاسب و فروشنده حریص و طماع که تنها به سود خود می‌اندیشد، به خاطر طبقه کم درآمد اجناس خود را با سود عادلانه‌تری بفروشد...» (۲)

جای کمال تأسف است که آنچه توصیف آن در سطور بالا آمد (و مربوط به دوران قبل از انقلاب بود)، هم اکنون نیز - کم یا بیش - در مورد جامعه ایران صدق می‌کند با این تفاوت که بر اثر عواملی چند - و از آن جمله تورم - فقط جای گروهها و طبقات تا حدود زیادی عوض شده است.

یادداشتها

- ۱- علاقمندان به مطالعه تفصیلی این مسائل و سایر مباحث مربوط به تورم می‌توانند به کتاب «تورم»، حلال، آثار و راههای مقابله با آن، انتشارات اقبال، تهران، چاپ سوم ۱۳۷۰ مراجعه کنند.
- ۲- مجله زن روز (مربوط به قبل از انقلاب)، شماره ۴